

## The Cultural Policy and Lifestyle in the First Phase of the Islamic Revolution

*Esmail Nodeh Farahani* ( Faculty of Social Sciences, University of Tehran , farahani.es@gmail.com )

---

### ARTICLE INFO

---

#### Article History

Received: 2020/11/8

Accepted: 2021/4/21

#### Key Words:

LifeStyle,

Islamic-Iranian LifeStyle,

Theory of the Great Revolution,

The first phase of the Islamic

revolution,

Ayatollah Khamenei

### ABSTRACT

---

The purpose of this essay is to provide a Primary framework that has the necessary capability to explain how the lifestyle of Iranian society was formed in the first phase of the revolution. Therefore, how the lifestyle became problematic forty years after the victory of the Islamic Revolution is the main question of the essay. In order to limit the subject range of the essay, we have tried to examine the socio-economic context and cultural-political mechanism of the possibility of proposing the concept of lifestyle in Ayatollah Khamenei's statements. Because regardless of the position of the supreme leader in the legal and religious systems of Iranian society, he seems to be the first person to use the term lifestyle about Iranian society and to turn this issue into a general issue through pathology of the current situation and exposition of Islamic-Iranian lifestyle. To achieve this, a secondary analysis of the available data concerning the views of the Supreme Leader is on the agenda.

The research findings show that problematic lifestyle in Iran after the revolution can be attributed to two currents of continuous implementation of development programs and also cultural polarization with political motives. In addition, in parallel with these two currents, we are witnessing the flourishing of some unpredictable blessings and capacities of the Islamic Revolution in the religious and spiritual fields. These are the capacities that have somewhat met with the material and spiritual support of the government.

## سیاست فرهنگی و سبک زندگی در گام اول انقلاب

اسماعیل نوده فرحانی (دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ farahani.es@gmail.com)

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱

### واژگان کلیدی:

سبک زندگی،

سبک زندگی اسلامی-ایرانی،

نظریه انقلاب کبیر،

گام اول انقلاب اسلامی،

آیت الله خامنه‌ای

### چکیده

هدف مقاله، ارائه چهارچوب اولیه‌ای است که واجد قابلیت لازم برای توضیح چگونگی شکل‌گیری سبک زندگی جامعه ایرانی در گام اول انقلاب باشد. بنابراین، چگونگی مسئله‌آمیز شدن سبک زندگی، چهاردهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پرسش اصلی مقاله است. به‌منظور محدود کردن دامنه موضوعی مقاله کوشیده‌ایم تا بافت اجتماعی-اقتصادی و سازوکار فرهنگی-سیاسی امکان طرح مفهوم سبک زندگی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای را بررسی کنیم. چراکه فارغ از جایگاه ولی‌فقیه در نظامات قانونی و شرعی جامعه ایران، به‌نظر می‌رسد نخستین شخصیتی که اصطلاح سبک زندگی را درباره جامعه ایران به‌کار برده و از طریق آسیب‌شناسی وضع موجود و طرح سبک زندگی اسلامی-ایرانی، این مقوله را به مسئله‌ای عمومی مبدل ساخت، معظم‌له بوده است. برای تحقق این مهم، تحلیل ثانویه داده‌های موجود پیرامون دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در دستور کار قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مسئله‌آمیزی سبک زندگی در ایران پس از انقلاب را می‌توان به دو جریان اجرای مستمر برنامه‌های توسعه و نیز دوقطبی‌سازی فرهنگی با اغراض سیاسی نسبت داد. ضمن این‌که به‌موازات این دو جریان شاهد شکوفایی برخی برکات و ظرفیت‌های غیرقابل پیش‌بینی انقلاب اسلامی در حوزه‌های دینی و معنوی هستیم. ظرفیت‌هایی که کمابیش با حمایت‌های مادی و معنوی حکومت مواجه شده‌اند.

## مقدمه

سبک زندگی، مفهومی پیچیده و چندبعدی است. در حالی که گمان می‌شود فهم روشنی از این مفهوم و ابعاد آن وجود دارد واقعیت، خلاف این را نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال، صفایی (۱۳۹۱) سبک زندگی را امری مدرن دانسته و از «سیره» به‌عنوان مفهوم برآمده از نحوه زیست فردی و اجتماعی معصومان (علیهم‌السلام) سخن به میان می‌آورد. در شرایطی که برخی دانش‌وران، سنجش سبک زندگی ایرانیان براساس مؤلفه‌های نظری مرسوم را در دستور کار دارند (ذکایی، ۱۳۹۳)، دیگرانی کوشیده‌اند طرح مفهوم سبک زندگی در نظریه اجتماعی مدرن را از دریچه‌های معرفت‌شناختی، اقتصادی، تاریخی و سیاسی بررسی کنند (کهن، ۱۳۹۶).

مروری بر تحقیقات صورت گرفته در این زمینه نشان می‌دهد «سبک زندگی، [...] مفهومی] عینی است، ویژگی افراد است، تنوع زیادی دارد، و دامنه انتخاب فرد در آن نسبتاً گسترده است» (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۳۹). در نتیجه، واحد تحلیل سبک زندگی، فرد بوده و بنیاد آن بر معنای کنش استوار است. این در حالی است که همان‌گونه در نمودار (۱) ملاحظه می‌شود فرهنگ به یک جامعه و معنای ذهنی حاکم بر آن تعلق دارد، حامل سطحی از اجبار اجتماعی است و نوعی همگونی رفتاری را پدید می‌آورد.

مقوله را به یکی از وضعیت‌های نیازمند بازاندیشی در آستانه گام دوم مبدل ساخته است. نکته قابل تأمل پیرامون پروبلماتیک شدن سبک زندگی جامعه ایرانی آن است که اولاً سیاست‌گذاری مستقیمی در این زمینه صورت نگرفته و ثانیاً برآیند سیاست‌گذاری‌های فرهنگی جمهوری اسلامی علی‌القاعده می‌بایست به تعمیق سبک زندگی اسلامی-ایرانی می‌انجامید و نه مسئله‌آمیز شدن آن.

در این چهارچوب، توجه به «چگونگی مسئله‌آمیز شدن سبک زندگی چهار دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی» ضروری به نظر می‌رسد. ضمن اینکه هم‌زمان تحولات مرتبط با «بازسیاسی شدن سبک زندگی در جهان پس‌ادوقطبی» و گسترش «رویکردهای منافی سیاست‌گذاری سبک زندگی» در جامعه ایرانی نمودار شده است.

## چارچوب مفهومی

به‌طورکلی نظریات شناخته‌شده و مورد اجماع جامعه علمی برای تبیین چگونگی شکل‌گیری سبک زندگی در دسترس نیست. بنابراین، در ادامه به معرفی سه نظریه که در این مقاله مورد استفاده هستند و تا حدودی می‌توانند به فهم مکانیسم‌های ظهور و بروز سبک زندگی در جامعه ما کمک نمایند، می‌پردازیم.

## ۱. نظریه اشاعه

اشاعه‌گرایی<sup>۱</sup> یکی از نظریه‌های کلاسیک انسان‌شناسی بود که به طور عمده از قرن نوزده تا اوایل قرن بیست رواج داشت. این نظریه که عمدتاً تغییر را ناشی از تأثیرپذیری از محیط بیرونی می‌داند، رویکردی جغرافیایی به فرهنگ و امور فرهنگی داشته و می‌کوشد روابط معنادار میان فرهنگ و پهنه‌های سرزمینی را بیابد. در این نظریه، رشد و تحول جوامع و فرهنگ انسانی بیش از آنکه به ابداع و اختراع پدیده‌های جدید مربوط باشد، به سرایت یا تقلید یعنی تکرار یک پدیده به دلیل همجواری یا انتقال دانش و مهارت‌ها در میان جوامع ارتباط دارد. بنابراین، تحلیل پدیده‌های فرهنگی-اجتماعی در این نظریه مستلزم بررسی پدیده در رابطه با محیط بلافضل یا

فرهنگ	خرده فرهنگ	سبک زندگی
اجباری	اجباری و انتخابی	انتخابی
معنای ذهنی	ذهنی و عینی	کنش عینی
هم‌گونی	هم‌گونی و تنوع	تنوع
جامعه (ساختار)	گروه اجتماعی	فرد

نمودار ۱. طیف فضای مفهومی فرهنگ، خرده فرهنگ و سبک زندگی

(پیشین).

از سوی دیگر، با گذشت چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد مسئله‌آمیز شدن سبک زندگی در جامعه ایرانی هستیم. موضوعی که سبب تبدیل سبک زندگی به یکی از دغدغه‌های مقام معظم رهبری در پایان گام اول انقلاب شده و این

1. Diffusionism.

رونالد اینگلهارت و کریس ولزل (۱۳۸۸) تغییرات فرهنگی متفاوتی را در مراحل مختلف توسعه اجتماعی-اقتصادی معرفی کرده‌اند: «صنعتی شدن، نخستین فرایند عمده تغییر فرهنگی را رشد می‌دهد و بوروکراتیک شدن و سکولاریسم را به همراه می‌آورد. ظهور جامعه فراصنعتی، فرایند دوم تغییر فرهنگی را شکل می‌دهد و به جای عقلانیت، تمرکزگرایی و بوروکراتیک شدن، روند جدید در جهت افزایش تأکید بر خودمختاری فردی و ارزش‌های ابراز وجود (بیان نفس)<sup>۳</sup> قرار دارد» (به نقل از احمدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۰).

به عقیده آنها، ارزش‌های ابراز وجودگرایانه (رهاینده)<sup>۴</sup> بر آزادی، تنوع انسانی و استقلال اجتماعی تمرکز دارد: «ارزش‌های ابراز وجود دربر دارنده تأکید فرامادی‌گرایانه بر آزادی فردی و سیاسی، فعالیت‌های معترضانة شهروندان، تساهل نسبت به آزادی دیگران و تأکید بر رفاه ذهنی است که در رضایت از زندگی منعکس می‌شود» (پیشین، ص ۱۱). از این منظر ما با سه فرایند اساسی در زمینه تغییرات اجتماعی مواجه هستیم:

۱. توسعه اجتماعی-اقتصادی؛ که مجموعه به هم پیوسته‌ای از دگرگونی‌ها نظیر رشد تولید ناخالص ملی، بهبود سطح آموزش، بهداشت و شاخص امید به زندگی، رفاه مادی بیشتر، ارتباطات گسترده‌تر و در نتیجه پیچیدگی‌های اجتماعی بیشتر در جامعه را شامل می‌شود.

۲. تغییرات ارزشی؛ که افزون بر گسترش تحرک اجتماعی، تعامل انسان‌ها و نیز شبکه‌های هم‌تراز و غیراقتدارگرایانه را در میان جوامع انسانی افزایش داده، سبب جایگزینی روابط مبتنی بر مذاکره و چانه‌زنی می‌شود و انسان‌ها را از قیود سلسله‌مراتبی خشک که خودبنیادی بشر را سلب می‌کنند، رها می‌سازد.

۳. تغییرات نهادی سیاسی؛ که به واسطه تأکید بر خودابرازی به مطالبه فرایندهای آزادی‌های مدنی، آزادی بیان و حقوق سیاسی نهادینه شده می‌انجامد. امری که نشان می‌دهد چگونه دموکراسی، پیامد مطالبه عمومی و همگانی شدن فرهنگ خودابرازی است (اینگلهارت و همکاران، ۱۳۸۲).

محیط بزرگتری است که در دو بعد جغرافیایی و تاریخی قرار می‌گیرد. مفهوم «دایره فرهنگی و تمدنی» که در انسان‌شناسی آلمانی وضع شد، از مهم‌ترین مفاهیم این نظریه است. مطابق این مفهوم، در مناطق جغرافیایی مختلف می‌توان پهنه‌های فرهنگی کمابیش همگنی یافت که در آنها بر اثر وجود عناصر مشابهی نظیر زبان، نوع پوشش، مسکن، معیشت، هنر و... گونه‌ای انسجام فرهنگی ایجاد می‌شود (فکوهی، ۱۳۹۰).

یکی از ارکان نظریه اشاعه‌گرایی، همجواری و تماس به‌عنوان اصلی ضروری برای آغاز انتقال و اشاعه است. اگرچه این اصل در گذشته، اشاعه‌گرایی را به تحلیلی عمدتاً جغرافیایی و یک سویه منتهی می‌ساخت، اما امروزه به وجود آمدن اشکال همجواری غیرمستقیم از یک سو به واسطه آنچه جهانی شدن نامیده می‌شود (ن.ک: سپهرنیا، ۱۳۹۰) و از سوی دیگر، توسط رسانه‌های فراگیر نظیر انواع تلویزیون‌های ماهواره‌ای، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و... تحلیل اشاعه‌گرا و به‌ویژه اشاعه غیرمستقیم<sup>۱</sup> را با ابعاد جدیدی روبه‌رو می‌سازد (یارمحمدتوسکی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۵۱).

## ۲. نظریه نوسازی

اکثر نظریه‌های عرفی شدن یا دنیوی شدن<sup>۲</sup> که به تبیین وضعیت دین در جامعه جدید می‌پردازند، معتقدند تغییرات در اندیشه‌ها، باورها و رفتارهای دینی از طریق دگرگونی ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی-سیاسی تبیین می‌شود. این نظریات، عواملی همچون بسط و رونق عقلانیت ابزاری، رشد نگرش علمی و تجربی، گسترش تنوع و تکثر فرهنگی و... را مؤلفه‌های ساختاری وقوع سکولاریزاسیون می‌دانند. اگرچه ممکن است هر یک از نظریه‌پردازان، سازوکار و مکانیسم ویژه‌ای را برای طرح این ادعا برگزینند؛ اما «عاملی که در بیشتر این نظریات به‌عنوان علت موجه جریان سکولاریزاسیون بیان می‌شود، توسعه و نوسازی جوامع است» (طالبان و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۱۸-۲۱۹). یکی از محققانی که نظریات قابل توجه و مشهوری در این زمینه عرضه کرده و آنها را از طریق پیمایش‌های وسیع و در سطح جهانی به آزمون گذاشته، اینگلهارت است (پیشین، ص ۲۲۲).

3. Self-Expression values.

4. Emancipative.

1. Indirect Diffusion.

2. Secularization.

از خود شدند و از این جهت، می‌توان عنوان انقلاب کبیر را درباره آنها به کار برد. نخستین وجه تمایز انقلاب‌های کبیر از سایر انقلاب‌ها، سطح و میزان اثرپذیری و اثرگذاری آنها در قبال دیگر انقلاب‌ها و جنبش‌های سیاسی-اجتماعی است. تأثیر و تأثیری که تنها در همین سطح متوقف نشده و عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و حتی معرفتی را متأثر می‌سازد (حسین‌پور، ۱۳۹۲، ص ۱۷۷). بر این اساس، تا مدت‌ها تمامی انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی-سیاسی جهان تحت تأثیر انقلاب‌های کبیر فرانسه و شوروی یا تلفیقی از مدل و الگوی این دو انقلاب بودند. این روند با ظهور انقلاب اسلامی ایران دچار دگرگونی شد؛ تا جایی که «بعد از وقوع انقلاب کبیر اسلامی در ایران، در هیچ نقطه‌ای از جهان، شاهد شکل‌گیری جنبش‌ها و انقلاب‌هایی بر پایه نمونه انقلاب‌های فرانسه و شوروی نبوده‌ایم» (کچویان، ۱۳۹۱، ص ۵۷). در نتیجه، اگر انقلاب اسلامی ایران را در زمره سه انقلاب کبیر بشری در نظر آوریم، انتظار تحولات اجتماعی و فرهنگی خاص و برآمده از این انقلاب دور از ذهن نیست. بالاخص که تا پیش از انقلاب اسلامی، مسئله حاکمیت دین در عرصه سیاسی و تلاش برای جمع میان دین و دنیا آن هم در قرن بیستم به رؤیایی غیر واقعی می‌ماند (پیشین، ص ۱۰۳).

از اینجاست که موضوع جایگاه فرهنگ در انقلابات کبیر بشری اهمیت می‌یابد. بدین ترتیب، یکی از راه‌های ارتقاء فهم سیاست‌گذاران درباره مسئله سبک زندگی، مقایسه جایگاه فرهنگ در انقلابات کبیر بشری است.

به‌عنوان مثال، میراث نظام اشرافی پیشا انقلابی فرانسه پس از انقلاب نیز تداوم یافت؛ یعنی همان‌طور که پیش از انقلاب فرانسه، فرهنگ و هنر مطابق با سلیقه و ذائقه درباریان، اشراف و طبقات بالا بود و از حمایت‌های نظام سلطنتی بهره‌مند می‌شد، پس از انقلاب نیز فرهنگ و هنر در خدمت نمایش عظمت و شکوه فرانسه جدید قرار گرفت و تحت حمایت نظام جمهوری واقع گردید (ن.ک: ایوبی، ۱۳۸۸).

جایگاه فرهنگ در انقلاب شوروی اما متناسب با رویکردهای مارکس طراحی شد و از این جهت، نقشی روبنایی یافت. به دیگر سخن، فرهنگ در انقلاب شوروی در نسبت با اقتصاد و سازندگی

بنابراین، بُن‌مایه و زیربنای ارتباط و پیوستگی ابعاد مختلف مقوله توسعه انسانی از جمله تقدم و تأخر توسعه اقتصادی و سیاسی نسبت به یکدیگر و فرایند شکل‌گیری جامعه مدنی چیزی جز گسترده‌تر شدن حق انتخاب انسان‌ها نیست (پناهی، ۱۳۸۳، ص ۴۶).

جدول ۱. فرایند و مفهوم توسعه انسانی (اینگلهارت و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳۸)

ابعاد توسعه انسانی			فرایندهای در حال پیشرفت توسعه انسانی
بعد اقتصادی (توسعه اجتماعی-اقتصادی)	بعد فرهنگی (توسعه فرهنگی)	بعد نهادی (توسعه سیاسی)	
نوسازی	تغییر ارزشی	دموکراتیک شدن	عناصر توسعه انسانی
منابع اجتماعی-اقتصادی	ارزش‌های ابراز وجود	آزادی‌های مدنی و سیاسی	تأثیرات توسعه انسانی
افزایش امکانات افراد برای عمل مطابق انتخاب	افزایش تقدم افراد به عمل مطابق انتخاب	افزایش اختیارات افراد برای عمل مطابق انتخاب	موضوع زیربنایی
گسترش انتخاب انسانی (جامعه انسان‌گرا تر)			

روی دیگر این نظریه، حمایت‌تئوریک و حقوقی نهادهای بین‌المللی از تحقق عینی این ادعا به واسطه اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی است (ن.ک: توکلی، ۱۳۹۰). مثلاً ماده (۴) این اعلامیه، از حقوق بشر به‌عنوان ضمانت تنوع فرهنگی نام برده و در تعریف حقوق فرهنگی می‌گوید:

حقوق فرهنگی به‌مثابه بخشی تفکیک‌ناپذیر از حقوق انسانی، امری جهانی و وابسته به یکدیگرند. شکوفایی تنوع خلاق، مستلزم اجرای کامل حقوق فرهنگی است که در ماده (۲۷) اعلامیه حقوق بشر و در مواد (۱۳) و (۱۵) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعریف شده‌اند (اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی یونسکو، ۱۳۹۰).

### ۳. نظریه انقلاب کبیر

تاریخ دو قرن گذشته جهان مملو از انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی است؛ اما در این میان، تعداد معدودی از آنها انقلاب‌های منحصر به فردی بودند که نه تنها تفاوت‌های اساسی با انقلاب‌های پیش از خود داشتند، بلکه الگو و سرمشقی برای انقلاب‌های پس

(ن.ک: بخش مصوبات پایگاه اطلاع‌رسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی) و مصوبات مرتبط این شورا شامل: اصول سیاست فرهنگی کشور (مورخ ۱۳۷۱/۵/۲۰)، راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف (مورخ ۱۳۸۴/۵/۴) و نقشه مهندسی فرهنگی کشور (مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۵) بوده است که به قبل از تأکید مقام معظم رهبری بر مقوله سبک زندگی بازمی‌گردد.

از سوی دیگر، به دلیل گستردگی کمی و موضوعی منابع شناسایی شده، منابع مورد بررسی را به مقالات استخراج شده از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری محدود کرده‌ایم. به عبارت دیگر، منابع این تحقیق شامل آثاری می‌شود که درباره دیدگاه رهبر انقلاب پیرامون موضوعات مورد نظر به نگارش درآمده و در قالب مقالات و گزارشات علمی و پژوهشی انتشار یافته‌اند و از این جهت مطالعه مستقیم بیانات معظم‌له در دستور کار این مقاله قرار ندارد. برای انتخاب نمونه تحقیق، با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند<sup>۲</sup>، مقالات و گزارش‌های کارشناسی معتبر برای استخراج داده‌ها انتخاب شده‌اند. «در واقع، در این روش نمونه‌گیری، محقق از میان جامعه آماری، به طور عمدی نمونه‌هایی را انتخاب می‌کند که با هدف پژوهش بیشترین سازگاری را دارند» (فرانکفورد و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۲۶۴). باید توجه داشت که به‌رغم بررسی مقالات و گزارش‌های منتشر شده در این مطالعه، اطلاعات به‌دست آمده از مقالات، تجزیه و تحلیل آماری نمی‌شوند، بلکه داده‌های حاصل از مقالات منتخب، تلفیق و تلخیص، و از آنها برای نیل به هدف اصلی تحقیق استفاده می‌شود (پارمحمدتوسکی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۵۱).

### تمهیدات نظری درباره سبک زندگی و سیاست فرهنگی

#### ۱. سبک زندگی جامعه ایرانی در آستانه گام دوم انقلاب

به سبک زندگی در آخرین فراز بیانیه گام دوم انقلاب اشاره شده است و عملاً در بیانیه سخنی از آن به میان نیامده، بلکه سخنان بیشتر در این باره به فرصت دیگری موکول شده است. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان «دلالت‌های حکمرانی و سیاست‌گذاری بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» از

جایگاهی فرعی داشت. بدین ترتیب، عقب ماندگی فرهنگی یکی از زمینه‌های شکست انقلاب اکتبر بود که به‌طور نمادین، صف کشیدن مردم در برابر شعب مک‌دونالد را دستمایه تصویرسازی بلوک غرب از ضعف و شکنندگی جامعه شوروی قرار داده و به جهان مخابره کرد.

در مقابل، فرهنگ در انقلاب آمریکا جایگاهی کلیدی داشت و خلاقیت‌محوری و زندگی‌گرایی روح حاکم بر این فرهنگ را تشکیل می‌داد؛ مسئله‌ای که نه تنها در بدو شکل‌گیری انقلاب آمریکا به چشم هر تازه‌واردی می‌آمد و مفصلاً در «تحلیل دموکراسی در آمریکا» (دوتوکویل، ۱۳۸۳) منعکس شده است، بلکه سبب گردید تا در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا در همه صنایع فرهنگی از جمله صنعت سینما و انیمیشن، موسیقی، سرگرمی و شهرسازی، پوشاک، غذا، بازی‌های رایانه‌ای، صنعت زیبایی بدن و... پیشتازی خود را حفظ کند و غلبه بلوک غرب بر رقیب شرقی را ممکن سازد.

بدین ترتیب، اگرچه فرهنگ در انقلاب اسلامی از ظرفیت نظری لازم برخوردار است، تحولات رفتاری شگرفی را به منصفه ظهور رسانده و درگیر دوگانه‌های روبنا-زیربنا و دولتی-بازاری نیست و علی‌القاعده برخلاف رویکرد مارکسیستی، فرهنگ را فدای اقتصاد نمی‌کند؛ اما در عمل، تعویق در ارضاء مشروع غریزه‌های جنسی و گرسنگی، مانع شکوفایی فرهنگ اسلامی-ایرانی می‌شود (فیاض، ۱۳۸۹).

### روش تحقیق

روش مطالعه این پژوهش، تحلیل ثانویه<sup>۱</sup> می‌باشد. جامعه آماری این تحلیل، همه مقالات و گزارش‌های کارشناسی موجود در سایت‌های: پرتال جامع علوم انسانی، نورمگز، اس.آی.دی (اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی) و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیرامون سبک زندگی اسلامی-ایرانی و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت خواهد بود. همچنین، باید توجه داشت که مروری بر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی نشان می‌دهد این شورا مصوبه‌ای با موضوع سبک زندگی نداشته است

2. Purposeful Non-Random Sampling.

1. Secondary Analysis.

## ۲. شناخت موقعیت سبک زندگی و الگوی پیشرفت در بیانات

### رهبر انقلاب

مروری بر بیانات رهبر انقلاب نشان می‌دهد که عمده بیانات ایشان درباره سبک زندگی به سال‌های ۱۳۹۱ به بعد مربوط است و اگرچه بعضاً فرمایشات معظم‌له در سال‌های پیشین، ذیل مفهوم سبک زندگی طبقه‌بندی شده‌اند؛ اما عمدتاً به فرهنگ به معنای اعم و مؤلفه‌های غیرانتخابی زندگی روزمره ناظر بوده‌اند.<sup>۱</sup>

نتایج یکی از تحقیقات صورت گرفته که می‌کوشد مفهوم سبک زندگی اسلامی-ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری را استخراج کند، در جدول (۲) ملاحظه می‌شود.

مسئله سبک زندگی به مثابه «نقطه مسکوت در بیانیه گام دوم انقلاب» نام می‌برد. چنانچه بیانیه مذکور را نوعی صورت‌بندی مجدد نماییم با سه عنصر کلیدی مواجه می‌شویم: علم (به‌عنوان موتور محرک گام‌های اول و دوم)، اقتصاد (به‌عنوان عامل متزلزل در گام اول) و سبک زندگی (به‌عنوان عرصه ناکامی در پایان گام اول انقلاب). در این چهارچوب:

چنانچه مثلث علم، اقتصاد و سبک زندگی را به‌عنوان سه مؤلفه منفک از یکدیگر در نظر آوریم؛ درگیر نوعی بخشی‌نگری شده‌ایم. اگرچه این نوع بخشی‌نگری سبب سهولت مواجهه با این سه‌گانه می‌شود؛ اما در عمل چنین تحدید قلمروی کاملاً ناصحیح است. [...] در نتیجه، هرگونه تلاش برای پیگیری منویات گام دوم انقلاب مستلزم توجه به مکانیسم‌ها و چگونگی تأثیرگذاری سیاست‌گذاری‌های پیشین علمی و اقتصادی کشور بر مقوله سبک زندگی است (نوده‌فراهانی، ۱۳۹۸، ص ۲۰).

پیوستگی سه عنصر کلیدی علم، اقتصاد و سبک زندگی در خود بیانیه نیز مورد توجه است؛ موضوعی که در بررسی تحولات سبک زندگی جامعه ایرانی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد: دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به‌دست گیرد.

از چنین گزاره‌ای سه نتیجه قابل برداشت است: ۱. توفیق در کسب علم و سپس ثروت، نفوذ و قدرت سبب تحمیل سبک زندگی غربی به جوامعی نظیر ما شده است؛ ۲. سبک زندگی کنونی ما ریشه در بنیادهای علمی، اقتصادی و سیاسی حاکم دارد؛ ۳. راه‌گذر از سبک زندگی غربی، کسب علم و سپس ثروت، نفوذ و قدرت است.

به هر ترتیب، اگرچه بیانیه گام دوم انقلاب، سخن‌چندانی پیرامون سبک زندگی بیان نمی‌کند؛ اما دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در این باره در بیانات سال‌های گذشته معظم‌له در دسترس است.

۱. ن. ک: نمودار عددی-تاریخی تبیین کلیدواژه «سبک زندگی» از ۹۷ فیش  
([http://farsi.khamenei.ir/keyword\\_content?id=2633](http://farsi.khamenei.ir/keyword_content?id=2633))

جدول ۲. محورهای اصلی سبک زندگی از دیدگاه رهبر انقلاب (بنائیان و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶۱)

ردیف	محورهای اصلی دیدگاه مقام معظم رهبری پیرامون سبک زندگی		
۱	مسئله خانواده	۱۱	مسئله کسب و کار
۲	سبک ازدواج	۱۲	رفتار در محل کار
۳	نوع مسکن	۱۳	رفتار در دانشگاه
۴	نوع لباس	۱۴	رفتار در مدرسه
۵	الگوی مصرف	۱۵	رفتار در فعالیت سیاسی
۶	نوع خوراک	۱۶	رفتار در ورزش
۷	نوع آشپزی	۱۷	رفتار در رسانه‌ای که در اختیار است
۸	تفریحات	۱۸	رفتار با پدر و مادر
۹	مسئله خط	۱۹	رفتار با همسر
۱۰	مسئله زبان	۲۰	رفتار با فرزند
			رفتار با رئیس
			رفتار با مرنوس
			رفتار با پلیس
			رفتار با مأمور دولت
			سفرها
			نظافت و طهارت
			رفتار با دوست
			رفتار با دشمن
			رفتار با بیگانه
			فرهنگ کار جمعی

- پیشنهاد سه راهبرد کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت جهت تدوین سبک زندگی اسلامی که این راهبردها در طول هم بوده و در هر مرحله پخته‌تر شده و معایب آن برطرف می‌گردد تا در نهایت به یک سبک زندگی اسلامی جهان‌شمول و قابل ارائه به جهانیان منجر شود (آقای نوروزلو و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۷۲۵).

ملاحظه می‌شود که این مقاله نیز بر نوعی اراده و عاملیت بیرونی در شکل‌گیری سبک زندگی تأکید دارد و معتقد است دشمن با استفاده از ابزارهای تکنولوژیک رسانه‌ای خود جامعه ایرانی را آماج حملات سهمگین قرار داده و تنها راه مقابله با این تهاجم، تدوین سبک زندگی اسلامی-ایرانی است. این مقاله عمده‌ماجرای سبک زندگی را به دو جریان فرومی‌کاهد؛ ۱. تلاش دشمن برای ترویج سبک زندگی غربی به‌وسیله رسانه‌هایش؛ و ۲. ضرورت تدوین سبک زندگی اسلامی و اشاعه آن به‌وسیله رسانه‌های خودی. نکته قابل‌توجه درباره این برداشت آن است که از قضا دو جریان مؤثر را اموری ذهنی و تبلیغی-ترویجی دانسته و آگاهی (اعم از کاذب و صادق) را شکل‌دهنده رفتار مردم-به‌مثابه مخاطب- برمی‌شمارد. به عبارت دیگر، این مقاله و مقالات مشابه، آگاهی و اطلاعات را مهم‌ترین عامل جهت‌دهی رفتار انسانی می‌دانند.

مطالعه دیگری که درصدد شناسایی مؤلفه‌های سبک زندگی در دیدگاه مقام معظم رهبری برآمده در مرحله نخست، مؤلفه‌های تأثیرگذار در سبک زندگی اسلامی از دیدگاه معظم‌له را در پنج حوزه فکر و اندیشه، خلقیات فردی، خانواده، خلقیات اجتماعی و کسب و کار دسته‌بندی کرده و در مرحله دوم به بیان بایدها و

مهم‌ترین نکته جدول فوق، فقدان نوعی اولویت‌بندی رتبه‌ای یا مکانیسم علی در باره محورهای اصلی سبک زندگی است که سبب می‌شود نه‌تنها مسئله سبک زندگی در این مقاله از سطح توصیف فراتر نرود، بلکه هرگونه ورود به سیاست‌گذاری سبک زندگی منتفی شود.

مطالعه دیگری که به‌منظور ترسیم «سبک زندگی اسلامی در افق تبیین شده مقام معظم رهبری» صورت گرفته بر مؤلفه‌های زیر استوار است:

- تلاش برای تبیین معنا و مفهوم سبک زندگی اسلامی، آسیب‌شناسی سبک زندگی کنونی جامعه ایرانی در نسبت با آموزه‌های اسلامی، بررسی نقش و جایگاه ایمان بر سبک زندگی و تمدن اسلامی-ایرانی.

- اهمیت و تأثیرگذاری رسانه‌ها، شامل برنامه‌های ماهواره‌ای، کارتون‌ها و انیمیشن‌ها بر سبک زندگی؛ که امروزه می‌توان انواع شبکه‌ها و پیام‌رسان‌های اجتماعی، اقسام بازی‌های رایانه‌ای و آن‌لاین و... را نیز به آن افزود.

- تأکید بر سبک زندگی به‌عنوان مقوله‌ای که کشورهای غربی به‌طور گسترده بر روی آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند و هوشیاری نسبت به جنگ نرم دشمن و ضرورت مقابله با سبک زندگی آمریکایی را طلب می‌کند.

- ارائه راهکار برای اصلاح سبک زندگی کنونی جامعه ایرانی از طریق عرضه الگوی سبک زندگی اسلامی (ضمن بهره‌گیری از تمام استعدادها و کشورهای شامل اندیشمندان، اساتید حوزه و دانشگاه، رسانه‌های ارتباط جمعی نظیر تلویزیون، رادیو و روزنامه‌ها) به‌مثابه تنها راه عملی و ممکن.



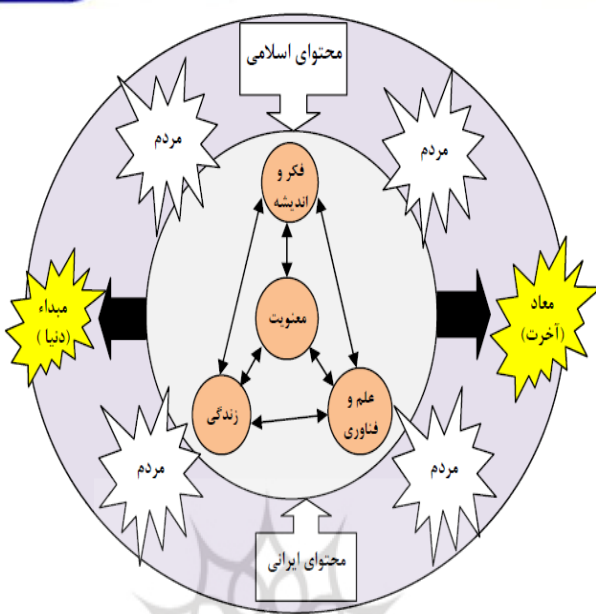
نبایدهای هر یک از حوزه‌ها می‌پردازد. خلاصه یافته‌های این مقاله در جدول (۳) آمده است.

حوزه	مؤلفه تأثیرگذار در سبک زندگی اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری
فکر و اندیشه	ضرورت ترسیم هدف و ایمان به آن، لزوم کسب علم و آگاهی، ضرورت پرهیز از تقلید، لزوم توجه به نمادهای دینی، ضرورت التفات به ارزش‌های فرهنگی و تاریخی (معماری اسلامی، زبان فارسی، تاریخ ملی)، لزوم الگوبری از اهل بیت.
خلقیات فردی	هماهنگی لباس و پوشش با جهان‌بینی و ارزش‌های حاکم بر جامعه، رعایت اصول تغذیه اسلامی در خوراک و آشپزی، توجه به اوقات فراغت جوانان از جمله سفر و تفریحات سالم و متناسب با گروه سنی و پرهیز از حرام خدا، اصلاح الگوی مصرف و دوری از اسراف‌های شخصی و عمومی.
خانواده	ازدواج بهنگام و ساده و آسان، حفظ جایگاه زن و اولویت خانواده در روابط خانوادگی، توجه به فرزندآوری و افزایش جمعیت.
خلقیات اجتماعی	برقراری انضباط اجتماعی در همه امور از جمله رانندگی و حقوق همسایه و آپارتمان‌نشینی، قانون‌مداری و تأکید بر این که حتی قانون بد، از بی‌قانونی بهتر است.
کسب و کار	وجدان کاری در زمینه تولید اقتصادی، خدمات اجتماعی، فعالیت‌های اداری و...، گسترش روحیه کار جمعی با هدف تعمیق تعاون و همکاری.

جدول ۳. مؤلفه‌های تأثیرگذار در سبک زندگی اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب بر اساس حوزه‌های پنجگانه (امینی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۸)

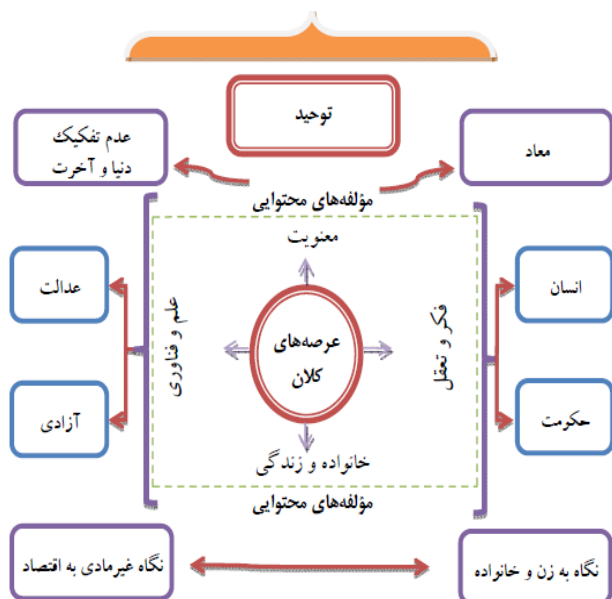
اگرچه در این مقاله خلط خفیفی میان بحث هویت ملی و سبک زندگی رخ داده، اما روح غالب بر مباحث، تعیین بایدها و نبایدها برای مردم و مسئولان در حوزه‌های مختلف است.<sup>۱</sup> این وضعیت، کمابیش در باره الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نیز برقرار است. مطابق یکی از پژوهش‌های انجام شده ترسیم این الگو در چهار عرصه فکر و اندیشه، علم و فناوری، زندگی و البته معنویت، با دو محتوای اسلامی و ایرانی، خواسته مقام عظمای ولایت است (حصیرچی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۷۸).

۱. تنها بخش این مقاله که درباره چگونگی و کیفیت شکل‌گیری بخشی از وضعیت کنونی سبک زندگی جامعه ایرانی و به‌طور خاص مسئولیت حکومت در تحولات این عرصه نکاتی را مطرح کرده، مباحث مربوط به فرزندآوری و افزایش جمعیت است (امینی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۶) که در بخش‌های بعدی به آن بازمی‌گردیم.



نمودار ۲. محتوا و نسبت اجزای مختلف الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (پیشین، ص ۷۷)

در پژوهش دیگری می‌خوانیم: «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، متکی به کلیت کلان اربعه (معنویت، عقلانیت، علم و خانواده) است، که در سنجه‌های محتوایی نه‌گانه (توحید، معاد، تفکیک‌ناپذیری دنیا و آخرت، انسان، عدالت، حکومت، آزادی، زن و اقتصاد) ارائه می‌شود» (بدرا و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۸).



نمودار ۳. رابطه کلیت کلان اربعه و سنجه‌های محتوایی نه‌گانه در الگو (پیشین، ص ۲۷)

در مقاله بعدی، در تبیین ضرورت الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت آمده است:

تحلیل بیانات، نظرات و گفتمان مقام معظم رهبری درباره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت حکایت از آن دارد که ناکارآمدی الگوهای غربی توسعه (مفهوم تک‌بعدی، ماهیت غیردینی و مادی و همچنین اهداف و آرمان‌های دنیوی)، ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت (عدم تبعیت بی‌چون و چرا از الگوها و نظریه‌های غربی توسعه، استخراج مبانی نظری و شیوه‌های تحقق الگو از منابع اسلامی، بومی‌سازی تجربه‌ها و دستاوردهای نظریه‌ها و الگوهای سایر ملل و طراحی متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی ایران) و تبیین الگویی مبتنی بر شاخصه‌ها و ارکان اسلامی (مسئله مبدأ، مسئله معاد، مسئله عدم تفکیک دنیا و آخرت، مسئله انسان و نگاه اسلام به انسان، مسئله حکومت، مسئله عدالت و نگاه غیرمادی به اقتصاد) از جمله عواملی هستند که تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضروری کرده‌اند (بهمن، ۱۳۹۷، ص ۹).

سرانجام تحقیق دیگری مدعی است:

از منظر حضرت امام خامنه‌ای، عواملی از جمله: «فرهنگ، احساس عزت، انگیزش دینی و ایمان به خدا، احیای هویت، کار چالشی، آزادی فکرها، رشد علمی، تحول، عزم ملی، اعتماد به نفس، احساس مسئولیت نسبت به آینده، مبارزه با فساد، تعریف دیدگاه و تصویرسازی آینده، مرعوب پیشرفت غرب نشدن، امنیت، نیروی انسانی مستعد، انسجام و استحکام درونی» از مؤلفه‌های اصلی پیشرفت محسوب می‌شوند و «اعتلای معنوی، ممانعت از نفوذ بیگانگان و دشمنان، رفاه مردم، همزیستی مهربانانه، اعتلای اخلاق، برقراری عدالت، امنیت مردم، تحول، رشد علمی» از نتایج و پیامدهای پیشرفت هستند. همچنین، پیشرفت مطلوب دارای شاخص‌هایی از قبیل: «رشد علمی، پیشرفت در سایه اسلام، پیشرفت همراه عدالت، تعادل دنیا و آخرت» است (کشتکار و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۴۰).

ملاحظه می‌شود که در اندیشه مقام معظم رهبری از یک سو سبک زندگی، خروجی و جوهره یک تمدن است و از سوی دیگر، الگوی پیشرفت که می‌بایست معرف نسبت علم و اقتصاد در

تحولات آتی جامعه باشد، مسیر حرکت به جانب سبک زندگی متناسب را پدید می‌آورد.

۳. ارزیابی ادراک از سبک زندگی در اندیشه نیروهای دغدغه‌مند مروری بر مقالات مذکور که در راستای توضیح و تفسیر دیدگاه‌ها و پیشبرد دغدغه‌های مقام معظم رهبری به رشته تحریر درآمده‌اند، نشان‌دهنده موارد زیر است:

#### ۱. ابعاد روش‌شناختی مطالعه:

- برگزیدن رویکردی پهن دامنه به موضوع سبک زندگی.  
- بسنده کردن به سطح توصیف؛ درباره هر دو وضعیت سبک زندگی موجود و مطلوب.  
- فقدان نوعی اولویت‌بندی رتبه‌ای یا مکانیسم علی.

#### ۲. ابعاد آسیب‌شناختی وضع موجود:

- تمرکز بر نوعی اراده و عاملیت بیرونی در شکل‌دهی به سبک زندگی کنونی.  
- برجسته‌سازی نقش دشمن و ابزارهای تکنولوژیک رسانه‌ای.  
- نسبت دادن عناصر نامطبوع سبک زندگی به بی‌اطلاعی و ناآگاهی.

#### ۳. ابعاد منطق سیاست‌گذارانه در مطالعات صورت گرفته:

- تأکید بر آگاهی و اطلاعات به‌عنوان مهم‌ترین عامل جهت‌دهی رفتار انسانی.  
- بعضاً انتخاب رویکرد انتقادی و افشاگرانه در مواجهه با عناصر نامطبوع سبک زندگی غربی.  
- ضرورت تدوین سبک زندگی اسلامی و اشاعه آن به‌وسیله رسانه‌های خودی.  
- گرایش به تخفیف تدوین سبک زندگی اسلامی به تعیین باید‌ها و نبایدها در حوزه‌های مختلف.

بنابراین، اغلب این مقالات ناظر بر نوعی رویکرد نظری، ذهن‌گرا (بی‌توجه به بسترهای واقعی)، آگاهی‌بخش (ترویجی و

از پیروزی انقلاب اسلامی، سهم اعتبارات فرهنگی از بودجه عمومی دولت بیش از یک درصد نبوده است (ارحامی و همکاران، ۱۳۹۳). با وجود این، تجربیات قابل توجهی از اثرگذاری مستقیم جمهوری اسلامی بر سبک زندگی جامعه ایرانی وجود دارد که می‌تواند به فهم بهتر عرصه سیاست‌گذاری سبک زندگی بینجامد.

#### ۴. مروری بر تجربیات جمهوری اسلامی در اثرگذاری مستقیم بر سبک زندگی

مهم‌ترین تجربه جمهوری اسلامی در اثرگذاری مستقیم بر سبک زندگی را می‌توان برنامه «تنظیم خانواده و جمعیت» قلمداد کرد. برجسته‌ترین وجوه توفیق این برنامه عبارت‌اند از:

- **وجاهت معرفتی بیرونی:** وجود محتوای نظری ترجمه‌ای برای توجیه علمی این برنامه (که به نگارش کتاب‌های آموزشی و گنجاندن واحد درسی اجباری دانشگاهی انجامید)؛

- **تطابق ارزشی-هنجاری بیرونی:** همخوانی محتوای این برنامه با فرهنگ مسلط در کشورهای توسعه‌یافته؛

- **حمایت رسانه‌ای تبلیغی-ترویجی:** وجود هماهنگی در جریان‌های مختلف رسانه‌ای داخلی و حتی خارجی؛

- **پشتیبانی مادی و معنوی بیرونی:** مداخله مثبت مادی و معنوی نهادهای بین‌المللی (که سبب اعطای جوایزی به دست‌اندرکاران ایرانی این حوزه و مساعدت‌های مالی خارجی به دولت شد)؛

- **تأمین ملزومات کالایی برای مصرف و نظارت:** دسترسی به انواع و اقسام تجهیزات مادی لازم برای مصرف‌کننده (مانند لوازم پیشگیری) و نظارت‌کننده (مانند دستگاه‌ها و ابزارهای سنجش و کنترل بارداری) از طریق واردات و تولید؛

- **فقدان معارض هنجاری-ارزشی و تبلیغی-رسانه‌ای:** عدم وجود جریان‌های قدرتمند مخالف اجتماعی برخوردار از حداقل‌هایی مانند منابع مالی، رسانه و جمعیت هوادار؛

- **پذیرش استدلال بیرونی به‌وسیله طرح مصلحت و احکام ثانویه اسلام توسط حکومت:** امری که برقراری مقررات تنبیهی برای خاطیان نظیر محرومیت فرزندان سوم به بعد از دریافت بیمه درمانی را به‌دنبال داشت؛

ندرتاً رفع شبهه)، کل‌نگر (درصدد اصلاح هنجارهای عمومی)، فردمحور (نه جمع‌گرا) و نهایتاً عاملیت محور (نه ساختارگرا) بوده‌اند. به عبارت دیگر، عمده کوشش‌های صورت گرفته کمتر درباره بسترهای اقتصادی-اجتماعی که انتخاب افراد را جهت‌بخشی و محدود می‌کند سخن گفته‌اند، بلکه معتقدند صرف ارائه چهارچوب‌هایی برای شناخت رفتار درست و البته آگاهی بخشی به مخاطبان در زمینه رفتارهای غلط می‌تواند کنش افراد را دستخوش تغییر و تحول کند. همچنین، اکثر تلاش‌های فوق‌اهتمام خود را برای اصلاح هنجارهای اجتماعی به‌کار می‌برند، چرا که دارای اهداف ملی هستند و در مقابل، چنانچه ایجاد هنجارهای گروهی را پیگیری کنند، به فرقه‌گرایی و کلونی‌سازی متهم شده و مورد طعن، تحقیر و انتقاد قرار می‌گیرند (ن.ک: مظاهری، ۱۳۹۸).

این در حالی است که به موازات آگاهی و اطلاعات، آنچه مسئله سبک زندگی را به پیش می‌برد رویه‌های عملی، عین‌گرا، تسهیل‌گر و جزءنگر هستند و آنچه غالباً مغفول واقع می‌شود رویکردهای اجتماع محور و ساختارگراست. در این چهارچوب، فاصله میان نظر و عمل، ناتوانی از ارائه شاخص‌های اجرایی و دلایلی از این دست مهم‌ترین توجیه‌های مسئولان کشور برای فروگذاشتن ایده سبک زندگی اسلامی-ایرانی را تشکیل می‌دهد. البته این مسئله، نکته جدیدی نیست، بلکه از همان روزهای اول انقلاب تا امروز این معضل جریان داشته و از قضا در برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی جمهوری اسلامی بازتاب یافته است. بنابراین، در حالی که طی برنامه‌های اول تا پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران به ترتیب ۷۴، ۷۵، ۷۷ و ۱۰۰ درصد برنامه‌های اقتصادی به رویکرد کمی (پارادایم اثباتی) تعلق داشته‌اند، به ترتیب ۳۸، ۴۰، ۷۱، ۸۶ و ۱۰۰ درصد برنامه‌های فرهنگی به رویکرد کیفی (پارادایم‌های تفسیری و انتقادی) گرایش داشته‌اند (ایمان و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۹۷). البته این سخن، به معنای تشویق نظام برنامه‌ریزی کشور برای کمیت‌پذیر ساختن امور فرهنگی نیست، بلکه هدف اصلی، هشدار نسبت به غفلت از تأثیر امور عینی و مادی بر سبک زندگی افراد است. اهمیت این مسئله زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم هرگز طی سال‌های پس

پیش‌ران توسعه نیست؛ اما کشوری که بخواهد نسبت به وضع موجود خود از یک حدی بیشتر رشد کند، نیازمند جمعیت بیشتر است. جمعیت، مقدمه توسعه بیشتر و نه عامل آن است. این جمعیت بیشتر به وجود آمده تنها در صورت مدیریت می‌تواند به توسعه بیشتر منجر شود» (عالمی‌نیسی، ۱۳۹۷، ص ۱۸۲).

۳. با وجود اینکه تغییر سیاست‌های نظام در این عرصه که در بیانات مقام معظم رهبری در بازه سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳، سیاست‌های جمعیتی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی (مورخ ۱۳۹۱/۳/۲)،<sup>۲</sup> سیاست‌های کلی جمعیت (ابلاغی ۱۳۹۳/۲/۳۰) و نیز سیاست‌های کلی خانواده (ابلاغی ۱۳۹۵/۶/۱۳) متجلی شده است اقدامات عملی و اجرایی مقتضی (با دو ویژگی مؤثر و مستمر) در این زمینه صورت نگرفته است.

۴. جنس اقدامات صورت گرفته در این زمینه توسط حاکمیت در برنامه‌های توسعه کشور به صراحت درج شده و سهم فرهنگ سازی‌های ذهنی و تبلیغی و سیاست‌گذاری‌های عینی و مادی در آن قابل بررسی است. مثلاً «وظایف دستگاه‌های اجرایی زیربط در خصوص اعمال سیاست تحدید موالید» به‌عنوان یکی از پیوست‌های برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که در جلسه مورخ ۱۳۶۹/۶/۴ به تصویب هیئت وزیران رسیده، بدین شرح است:

- ایجاد ساختار سیاست‌گذاری و تعیین نهاد مجری: موضوعی که برای هماهنگی بین دستگاهی و هدایت کلی پروژه تنظیم جمعیت با راهبری وزارت بهداشت ضرورت داشت. وجوه پیش گفته که سبب ثبت رکوردی بین‌المللی در پیشبرد برنامه تنظیم جمعیت ایران شد (Larsen, 2003) گویای ویژگی‌های عام تأثیرگذار بر سطح و کیفیت سیاست‌گذاری سبک زندگی در موارد مشابه است. بنابراین، هنگامی که یک پروژه مرتبط با سبک زندگی از مؤلفه‌هایی نظیر وجاهت معرفتی، پذیرش ارزشی-هنجاری، حمایت تبلیغی-ترویجی رسانه‌ای، پشتیبانی مادی و معنوی، ایجاد ساختار سیاست‌گذار و تعیین نهاد مجری، و در نهایت تأمین تجهیزات و ملزومات کالایی برخوردار بوده و با جریان معارض یا رقیب قدرتمندی مواجه نشود، شانس زیادی برای موفقیت دارد. بالعکس، کمبود هر یک از وجوه مزبور، می‌تواند به شکست بینجامد.

در این میان، به دلیل پدیدار شدن بحران‌های ناشی از تداوم این برنامه، امروزه استناد چندانی به برنامه کنترل جمعیت نمی‌شود؛ اما تجاربی همچون «ترویج فرهنگ استفاده از کمر بند ایمنی سرنشینان خودرو» که وجوه توفیق آن بی‌شبهات به برنامه تنظیم خانواده نیست، به‌عنوان الگوی فرهنگ‌سازی کامیاب از سوی برخی سیاست‌گذاران مطرح می‌شود.

افزون بر آنچه گفتیم، پروژه تنظیم جمعیت و خانواده از جهات بسیاری حائز اهمیت است، چرا که:

۱. با وجود شواهد آشکار نقش آفرینی نهادهای بین‌المللی در این زمینه، پیرامون میزان تأثیرگذاری آنها کمتر اغراق می‌شود و حداقل، عمده متون تخصصی در این زمینه متوجه آسیب‌هایی که خود جوامع غربی از این جهت متحمل شده - و اقدام به تغییر سیاست‌های خود در راستای حمایت از افزایش نرخ باروری کرده‌اند - هستند.<sup>۱</sup>

۲. برخلاف ادعای سازمان‌های بین‌المللی، برخی تحقیقات مستقل معتقدند: «در حالی که جمعیت به خودی خود مانع یا

۲. این مصوبه در ۵ ماده و ۶ تبصره در جلسات ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱ و ۷۱۲ مورخ ۱۳۹۱/۱/۲۲، ۱۳۹۱/۲/۵، ۱۳۹۱/۲/۱۹ و ۱۳۹۱/۳/۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد.

۱. عمده نگاه‌های توطئه‌محور در این زمینه مربوط به نهادهای امنیتی-اطلاعاتی است که بنا به ماهیت و رسالت سازمانی خود مباحث را از این زاویه مورد نظر قرار می‌دهند.

- ۱- وظایف وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی؛
    - تحت پوشش برنامه تنظیم خانواده قرار دادن (۲۴) درصد از زنان و ملان واقع در سنین بالقوه باروری با اولویت دادن به آن قسمت از نواحی و مناطق جغرافیایی و قشرهای اجتماعی کشور که از باروری ناخولسته زین‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری دیدمند.
    - کاهش مرگ و میر ملان و نوزادان.
  - ۲- وظایف وزارت آموزش و پرورش؛
    - بالا بردن سطح سواد در کلیه اقشار جامعه به ویژه آموزش بزرگسالان تا سی سال.
    - بالا بردن ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم مخصوصاً در نقاط روستایی.
    - تدوین متون آموزشی برای بالا بردن سطح آگاهی دانش‌آموزان دبیرستانی (به‌ویژه دختران) نسبت به زین‌های باروری بالا در کشور.
  - ۳- وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران؛
    - بالا بردن آگاهی جامعه در مورد اهمیت و ضرورت کنترل نرخ رشد جمعیت و مضرات جمعیت زیاد در دو سطح جامعه و خانواده.
    - ایجاد لگن‌های لازم در جامعه به منظور مشارکت بیشتر زنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی در دو سطح جامعه و خانواده.
  - ۴- وظایف وزارت فرهنگ و آموزش عالی؛
    - افزایش سهمیه دانشجویان زن در رشته‌های دبیری به ویژه با تعهد خدمت در نقاط محروم.
    - گنجاندن درس جمعیت‌شناسی در برنامه‌ریزی درسی اکثر رشته‌های دانشگاهی.
    - انجام فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی در زمینه چگونگی کنترل نرخ رشد جمعیت.
  - ۵- وظیفه وزارت کار و امور اجتماعی؛
    - بالا بردن میزان اشتغال زنان.
  - ۶- وظایف سازمان ثبت احوال کشور؛
    - ایجاد امکانات لازم برای ثبت کامل تغییرات جمعیتی (تولد و مرگ) در سطح کشور.
    - ارائه آمار دقیق تغییرات جمعیتی کشور به صورت سه ماهه، شش ماهه و یکساله.
- به منظور پیگیری، نظارت و ایجاد هماهنگی در اجرای سیاست‌های کنترل نرخ رشد جمعیت کمیسیونی به ریاست وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و عضویت وزرا و رؤسای هر یک از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های فوق‌الذکر و رئیس سازمان برنامه و بودجه تشکیل می‌گردد. این کمیسیون موظف است گزارش اقدامات انجام یافته توسط هر یک از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مذکور در این تصویب‌نامه و نتیجه بررسی‌های به عمل آمده در زمین‌های زیر را به هیأت وزیران ارائه نماید:
- ا. ضرورت تشکیل شورای عالی، وظایف و اعضای آن.
  - ب. بررسی پیشنهادها ارائه شده در مورد اصلاح قوانین و مقررات مشوق و بازدارنده.
  - ت. بررسی سایر مسائل مربوط به کنترل نرخ رشد جمعیت.

تصویر ۱. وظایف دستگاه‌های اجرایی ذیربط در خصوص اعمال سیاست تحدید موالید (مصوب ۱۳۶۹/۶/۴ هیئت وزیران)

### بحث و نتیجه‌گیری

مطابق آنچه تاکنون گفته شد در ادامه چالش‌های سه‌گانه صدر مقاله را مورد نظر قرار می‌دهیم:

#### ۱. چگونگی مسئله‌آمیز شدن سبک زندگی چهار دهه پس از

##### پیروزی انقلاب

چنانچه بیانات رهبر انقلاب درباره «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» را استخراج کنیم، مشخص می‌شود که این طرح مسئله، مقدم بر «طرح سبک زندگی اسلامی-ایرانی» بوده است.<sup>۱</sup> این

ملاحظه می‌شود که سهم برنامه‌ریزی‌های مادی و عینی در تحقق برنامه تنظیم جمعیت قابل توجه است. از این رو، نباید از تأثیرگذاری برنامه‌های توسعه در جهت‌دهی به سبک زندگی کنونی جامعه ایرانی غافل بود. با وجود این، بسیاری از فعالیت‌های جمهوری اسلامی که ایجاد تحولاتی شگرف در سبک زندگی ما را پدید آورده به وضوح موضوع جمعیت نیست. تنها تلاش برای شناخت این تأثیرگذاری غیرمستقیم است که می‌تواند تا حدودی چگونگی مسئله‌آمیز شدن موضوع سبک زندگی را پس از سپری شدن چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی تبیین کند.

۱. ن. ک: نمودار عددی-تاریخی تبیین کلیدواژه «الگوی پیشرفت اسلامی

ایرانی» از ۶۷ فیش

([http://farsi.khamenei.ir/keyword\\_content?id=1001](http://farsi.khamenei.ir/keyword_content?id=1001))

- وزارت آموزش و پرورش: بهره‌برداری از علم‌آموزی برای به تأخیر انداختن باروری آنهم تا سی سالگی (عقلانیت ابزاری)؛ که ممکن است تأخیر در سن ازدواج به‌عنوان راه مشروع ارضاء غریزه جنسی، شیوع برخی انحرافات اخلاقی و حتی بروز ناتوانی‌هایی در امر باروری را سبب شود.

- وزارت ارشاد و صداوسیما: ایجاد انگیزه‌های لازم به‌منظور مشارکت زنان در عرصه‌های اقتصادی-اجتماعی در سطح جامعه و خانواده (همسان‌سازی جنسیتی)؛ که چه‌بسا جایگاه زن و مرد را در جامعه دستخوش تغییر کرده و مردانه شدن زنان و زنانه شدن مردان را پدید می‌آورد؛ به‌نحوی که پایین بودن سطح اشتغال زنان نسبت به مردان مصداق نابرابری و تبعض جنسی<sup>۱</sup> تلقی می‌شود (ن.ک: علی محمدی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵-۱۰۶).

- وزارت فرهنگ و آموزش عالی: افزایش سهمیه دانشجویان زن در رشته‌های دبیری به‌ویژه با تعهد خدمت در نقاط محروم (تبعیض مثبت و توانمندسازی زنان)؛ که می‌تواند به افزایش سهم قبولی دختران در دانشگاه‌ها و شیوع فرهنگ زندگی مجردی دختران، دور از حمایت و نظارت خانواده‌های‌شان منجر شود.

- وزارت کار و امور اجتماعی: بالا بردن میزان اشتغال زنان؛ موضوعی که با ایده‌های اقتصاد سرمایه‌داری از جمله تبدیل زنان به نیروی کار ارزان‌قیمت به‌منظور کاهش سطح عمومی دستمزدها همخوان است.

۱-۲. بهره‌برداری سیاسی از دوقطبی‌سازی فرهنگی-اجتماعی: منظور، تریق فضا‌سازی‌های تحریک‌آمیز به جامعه در جریان انتخابات‌های ریاست جمهوری است که از دهه ۱۳۷۰ به بعد غالباً با نوعی قطبی‌سازی فرهنگی توأم شد.

برای درک بهتر این پدیده که هر انتخابات را به یک رخداد<sup>۲</sup> مبدل می‌سازد باید عنایت داشت که انتخابات ریاست جمهوری در نظام‌های ریاستی، فضای اجتماعی-سیاسی ویژه‌ای را شکل می‌دهد. چرا که به تمامی شهروندان از طبقات، اقشار و گروه‌های مختلف، امکان مداخله بی‌واسطه در یک تصمیم‌گیری بزرگ و سرنوشت‌ساز را عطا می‌کند. شهروندان تنها در دوره‌های خاصی مخاطب مستقیم و تصمیم‌گیر اصلی صحنه پرشوری هستند که

تقدم زمانی، نه امری اتفاقی است و نه تصمیمی از پیش اتخاذ شده؛ بلکه اصولاً طرح هر مفهومی از سوی صاحب نظران، نیازمند فراهم شدن بستر تاریخی-اجتماعی متناسب است. به‌عبارت دیگر، طرح مفاهیم و موضوعات در هر جامعه‌ای، از جمله درباره الگوی پیشرفت و سبک زندگی اسلامی-ایرانی، لاجرم متناسب با بافت آن جامعه ممکن خواهد شد. ضمن اینکه پیگیری الگوی پیشرفت و سبک زندگی اسلامی-ایرانی را می‌توان در نسبت با گام‌های پنجگانه فرایند تمدن‌سازی اسلامی در دیدگاه معظم‌له تحلیل کرد.

بر این اساس، به نظر می‌رسد مسئله‌آمیز شدن سبک زندگی در ایران پس از انقلاب، بی‌ارتباط با مسئله‌دار شدن الگوی پیشرفت نیست (ن.ک: حصیرچی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۸-۷۱). زیرا مهم‌ترین بستر شکل‌گیری سبک زندگی در یک جامعه، الگوی پیشرفت آن جامعه است. در نتیجه، مسئله‌آمیز شدن سبک زندگی در ایران امروز را می‌توان به دو جریان مختلف «اجرای مستمر برنامه‌های توسعه» و «دوقطبی‌سازی فرهنگی-اجتماعی ناشی از آن» نسبت داد:

۱-۱. اجرای مستمر برنامه‌های توسعه: مربوط به جریان عمومی حرکت جامعه در بستر الگوی مرسوم توسعه که با جرح و تعدیل‌هایی در ایران نیز اجرایی شد. در این چهارچوب، پیاده‌سازی برنامه‌های توسعه، پیامدهای فرهنگی-اجتماعی فراگیری به دنبال داشت که برخلاف برخی مسئولان و تصمیم‌گیران، برای اندیشمندانی همچون آوینی (۱۳۷۶)، رفیع‌پور (۱۳۷۷) و... قابل پیش‌بینی بود.

گرچه برنامه توسعه یک بسته فربه و مبسوط است و بررسی کامل شش برنامه توسعه پنج ساله جمهوری اسلامی اثر جداگانه‌ای می‌طلبد؛ اما چنانچه تنها، سیاست تحدید موالید را -که طی چهار برنامه، دستیابی به اهداف آن تعقیب شد- در نظر آوریم، متوجه پیامدهای اعجاب‌انگیز برنامه تنظیم جمعیت و خانواده در دگرگونی سبک زندگی جامعه ایرانی می‌شویم. برخی از اموری که به‌طور رسمی از طریق این برنامه در جامعه مورد تشویق و ترویج قرار گرفت عبارت‌اند از:

- وزارت بهداشت و درمان: توجه به نفع و زیان اقتصادی در اموری نظیر باروری و فرزندآوری (رویکرد نفع‌محور)؛ که می‌تواند به سایر حوزه‌های انسانی نظیر ازدواج و همسری تسری یابد.

1. Sex Discrimination.

2. Event.

هجو بالاتر می‌رود؛ اما اختلافات بر سر آزادی‌های شخصی و مدنی نمی‌تواند در روندی مصالحه‌جویانه حل شود.

جالب آنکه بیانات رهبر انقلاب درباره کلید واژه «دو قطبی دروغین» چه از جهت زمان طرح و چه از دریچه مضامین، مؤید این دیدگاه است؛ اما به‌طور عمده حول مباحث سیاسی<sup>۱</sup> یعنی همان گفتار آشکار و رسمی دوگانه‌سازان بیان شده است. با این همه، کماکان دو قطبی‌سازی مردم در دستور کار برخی جریان‌های سیاسی قرار گرفته است.<sup>۲</sup>

به موازات این دو جریان شاهد شکوفا شدن تدریجی برخی برکات و ظرفیت‌های پیش‌بینی نشده انقلاب اسلامی در حوزه‌های دینی و اخلاقی هستیم؛ که با حمایت‌های حکومت توانسته‌اند قدم‌های مؤثری در راستای انباشته شدن فضای جامعه از حال و هوای معنوی بردارند. شکل‌گیری پدیده‌هایی نظیر کاروان‌های راهیان نور (ن.ک: نوده‌فراهانی، ۱۳۹۱)، گسترش فرهنگ مقاومت در برابر نظام جهانی سلطه، بیداری اسلامی (ن.ک: کچویان، ۱۳۹۱)، پیاده‌روی اربعین (ن.ک: معینی‌پور، ۱۳۹۴؛ خادمی و همکاران، ۱۳۹۵؛ اشرفی و همکاران، ۱۳۹۷) و... در این راستا قابل تفسیر هستند.<sup>۳</sup>

## ۲. بازسیاسی شدن سبک زندگی در جهان پسادوقطبی

همان‌گونه که می‌دانیم مفهوم سبک زندگی در دهه ۱۹۶۰ پدید آمد (حسنی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۴) و فروپاشی شوروی سابق بیش از آنکه مربوط به معضلات اقتصادی-اجتماعی آن باشد، مربوط به چالش‌های فرهنگی و به‌طور خاص شیفتگی مردم این کشور نسبت به سبک زندگی آمریکایی بود.<sup>۴</sup> از سوی دیگر، تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

انرژی‌های متراکم جامعه و علی‌الخصوص جوانان را در جهت تخریب تجربه پیشین و ساختن آتیه‌ای متفاوت آزاد کند. در این احوال، هنگامی که جریان‌های رقیب در زمینه‌های مختلف اقتصادی از مسکن و حمل و نقل گرفته تا نظام بانکی و بیمه‌ای دارای اشتراک نظر باشند، نقطه کانونی انتخابات را به حوزه فرهنگ منتقل می‌سازند و عمده نیروهای ویرانگر و البته آفرینشگر انتخابات در این حوزه فعال می‌شود. اباذری (۱۳۹۵) در توضیح این موقعیت می‌گوید:

تاکنون، نئولیبرال‌ها به سبب اهداف تبلیغاتی گفته‌اند که دولت نباید در کار مردم دخالت کند و به همین سبب عده کثیری از مردم آنان را می‌پسندند؛ اما منظورشان این است که دولت نباید در کار بازار دخالت کند و منظور از مردم همان بازار است. آنان در آغاز هر انتخاباتی غیبت‌های می‌زند و علناً از هیچ‌کس طرفداری نمی‌کنند چرا که باید متاع خود را به همه دولت‌ها بفروشند؛ اما بعد از انتخابات سر و کله‌شان برای ارائه اقتصاد علمی پیدا می‌شود و به همه دولت‌ها مشورت می‌دهند.

اباذری (۱۳۹۵) منتقد انتقال گرانیگاه انتخابات به حوزه فرهنگ است و پیامد این استراتژی را چیزی جز افول فرهنگ و فراموشی فرودستان نمی‌داند:

نئولیبرال‌ها خود را لیبرتر یا به قول خودشان آزادی‌خواه می‌خوانند. [...] آنان طالب هر نوع آزادی هستند منهای آزادی سیاسی. [...] از نظر آنها ضعیف‌ترین حلقه دموکراسی، رأی‌دهندگان هستند؛ زیرا می‌توانند به پوپولیست‌های راست یا چپ رأی بدهند و کار آنها را زار کنند. [...] آنان زمانی که فهمیدند آنتروپورهای‌شان از انواع و اقسام آزادی می‌توانند سود ببرند، دست از مخالفت با برخی آزادی‌ها شستند و آنها را غنیمت شمردند. در ایران نکته این است که جناحی با دادن برخی آزادی‌ها مخالف‌اند و جناحی دیگر که خود می‌دانند قادر نیستند آن آزادی‌ها را بدهند در مورد آن سکوت می‌کنند. در جریان این بده‌بستان، دولت‌ها گاهی عقب‌نشسته‌اند. مثلاً بعد از موفقیت موسیقی لس‌آنجلسی موافقت کردند که همان نوع موسیقی با اشعاری شسته رفته‌تر در ایران تولید شود. بدین ترتیب نوعی موسیقی پاپ ایرانی به وجود آمد که از حیث هنری اسفبار بود؛ اما مردم را جلب کرد، اکنون اختلاف بر سر کنسرت این گروه‌ها است. هر چه از آن طرف [اقتصاد] فشار می‌آید از این طرف دامنه

۱. شامل: دو دستگی حزبی و جناحی، چپ و راست، محافظه‌کار و نوگرا، دولت و ملت، مذهبی و طایفه‌ای، شیعه و سنی، تدریج و میانه‌رو و...  
 ۲. ن.ک: نمودار عددی-تاریخی تبیین کلیدواژه «دو قطبی دروغین» از ۱۵ فیش (<http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=12496>)  
 ۳. طبیعتاً در مقابل این جریان عظیم تلاش‌های واکنشی همانند زدودن نام و تصاویر شهدا از چهره شهرها (ن.ک: شفیعی سروسستانی، ۱۳۸۴)، استبدادی دانستن حکومت‌های جبهه مقاومت (ن.ک: زیباکلام، ۱۳۹۱) و... نیز همواره وجود داشته است.  
 ۴. یکی از وقایع نمادین در این زمینه، بازدید ۱۳ روزه نیکیتا خروشچف (Nikita Khrushchev) - رهبر وقت اتحاد جماهیر شوروی- در سال ۱۹۵۹ از آمریکا است که با دو درخواست وی برای دیدار از دیزنی‌لند و ملاقات با جان وین (John Wayne) - بازیگر سرشناس هالیوود- همراه بود.

نظیر «۱۹۸۴» از اورول (۱۳۹۸ [۱۹۴۹م]) و «کمونیسم رفت ما ماندیم و حتی خندیدیم» اثر اسلاونکا دراکولیچ (۱۳۹۸) نیز پیگیری می‌شود. رهبر انقلاب در این زمینه می‌گوید:

دهه ۶۰، یک دههٔ مظلوم است؛ [...] و اخیراً به وسیلهٔ برخی از بلندگوها و صاحبان بلندگو مورد تهاجم؛ [...] دههٔ ۶۰، دههٔ آزمون‌های بزرگ و دههٔ پیروزی‌های بزرگ است (بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت امام خمینی، مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۴).

در این فرایند، زنان (از دریچه جنسیت و به‌عنوان محرک مصرف‌گرایی)، جوانان (به‌عنوان عنصر مقاومت در برابر ارزش‌ها و هنجارهای استعلایی) و سلبریتی‌ها (شامل بازیگران سینما، بازیکنان فوتبال و خوانندگان) در نقش عوامل ایجاد تغییر اجتماعی مورد نظر قرار می‌گیرند.

### ۳. رویکردهای نفی‌کننده سیاست‌گذاری سبک زندگی

مروری آسیب‌شناسانه بر تلاش‌های انجام شده به‌منظور تحقق نوعی سیاست‌گذاری سبک زندگی در جمهوری اسلامی نشان می‌دهد به‌طور کلی طی سالیان گذشته سه برداشت ناصواب در این زمینه رواج داشته است؛ برداشت‌هایی که بعضاً امکان سیاست‌گذاری را مورد تحدید قرار داده‌اند. در ادامه می‌کشیم نسبت به معرفی این رویکردها مبادرت نماییم.

#### - قربانی شدن سیاست‌گذاری به پای سیاست

گفتیم که مهم‌ترین زمینه مشارکت مردم در عرصه اداره جامعه در صحنه‌های انتخاباتی رقم می‌خورد و با ترفندهای نخبگان سیاسی، مطالبات آنها - فارغ از آنکه خودآگاه باشند یا ناخودآگاه - به حوزه فرهنگ گسیل می‌شود. بنابراین، انتخابات محملی است که خواسته‌های شهروندان در قالب نیازهای فرهنگی صورت‌بندی تئوریک شده و به آنها بازگردانده می‌شود.

حال باید پرسید جامعه‌ای که طی چهار برنامه توسعه، محمل ترویج رویکرد نفع‌محوری و عقلانیت‌ابزاری بوده و دستیابی به موفقیت شخصی را بر هر امری - از جمله خانواده، مادری/پدیری و همسری - ترجیح داده، منتظر شنیدن چه شعار انتخاباتی خواهد

تمامی انقلاب‌های مردمی جهان، صبغه چپ‌گرایانه داشتند و بلوک غرب به رهبری ایالات متحده در کشورهای مختلف از دیکتاتورهای وابسته به خود حمایت کرده و آنها را در سرکوب حرکت‌های مردمی یاری می‌کرد (باقری، ۱۳۹۰).

در سال‌های بعد، آمریکایی‌ها با ترکیب: ۱. صورت مصالحه‌آمیز انقلاب اسلامی که در تحلیل‌های آنها از دو عنصر ابزارهای اطلاع‌رسانی تکنولوژیک و حضور مردم در خیابان‌ها تشکیل شده بود؛ ۲. مزیت برجسته و قدرت نرم‌شان یعنی سبک زندگی؛ و ۳. بستر انتخابات‌های سیاسی، به فرمول جدیدی برای انسجام‌بخشی به طبقه متوسط شهری و ایجاد انقلاب‌های لیبرالیستی در سایر جوامع دست یافتند؛ امری که امروزه با عناوین انقلاب رنگی،<sup>۱</sup> انقلاب مخملی<sup>۲</sup> و انقلاب آرام شناخته می‌شود. این فرمول جدید به‌عنوان اسباب مداخله آمریکا برای ممانعت از استقلال ملت‌ها و به حاشیه راندن طبقات محروم و از جمله به‌مثابه نسخه بدیلی برای بیداری اسلامی به‌کار گرفته می‌شود. بر این اساس، اگرچه گرایش از سمت مفاهیم فرهنگ و خرده‌فرهنگ - که در سطح طبقات و گروه‌های اجتماعی تعریف می‌شوند - به سبک زندگی - که در سطح فردی قابل توضیح است - در جوامع غربی، بدو با نوعی سیاست‌زدایی همراه بود، اما امروزه شاهد نوعی بازسیاسی شدن مقوله سبک زندگی در جهان پساقطبی هستیم.

اگرچه در دهه‌های اخیر این موضوع تا حدودی برای جامعه ایرانی آشکار شده است؛ اما کماکان در پژوهش‌های آکادمیک و سیاستی از جایگاه سبک زندگی در تحولات سیاسی غفلت می‌شود و در نتیجه بازخوانی تحریف‌گونه سبک زندگی ایرانیان در دهه اول انقلاب همچنان ادامه دارد. موضوعی که به سهولت در آثاری نظیر «امر روزمره در جامعه پساانقلابی» (کاظمی، ۱۳۹۵) و نیز فیلم سینمایی «نهنگ عنبر ۱» ساخته سامان مقدم (۱۳۹۴)<sup>۳</sup> مشاهده می‌شود. البته بسط این ایده به‌منظور همسان‌پنداری انقلاب اسلامی با انقلاب‌های کمونیستی به‌واسطه ترجمه آثاری

1. Color Revolution.

2. Velvet Revolution.

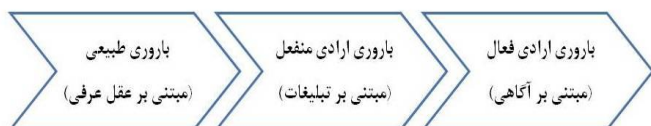
۳. این فیلم با فروش نزدیک به هفت میلیارد تومان، بعد از فیلم محمد رسول‌الله، به دومین فیلم پرفروش سال ۱۳۹۴ تبدیل شد.



### انتظار غیر منطقی از سیاست گذاری

همان طور که تجربیات جمهوری اسلامی نشان می دهد مجموعه ای از عوامل در کم و کیف توفیق سیاست گذاری در حوزه سبک زندگی، تأثیرگذار هستند. ضمناً توجه به تغییر و تحولات معنای آگاهی و اطلاعات به عنوان یکی از عوامل جهت دهی رفتار انسانی از اهمیت بالایی برخوردار است.

به عنوان مثال، امروزه سیاست گذاری تنظیم خانواده در ایران دو مرحله را پشت سر گذاشته و در مرحله سوم خود قرار دارد. در مرحله نخست - که به نوعی مرحله ماقبل سیاست گذاری تلقی می شود - فرزندآوری در جامعه ایرانی متکی بر نوعی هنجار عرفی و شعور عمومی<sup>۱</sup> بود و زنان به طور طبیعی - یعنی بدون تلاش جدی برای پیشگیری از باروری یا فاصله گذاری میان موالید - اقدام به فرزندآوری می کردند. دومین مرحله با شعار اطلاع رسانی، آگاهی بخشی و بهره مندی از تبلیغات گسترده صورت پذیرفت و شاهد بمباران تبلیغی یک طرفه بودیم که کمابیش همه جامعه زنان را متأثر کرد. سرآغاز مرحله سوم، نیازمند بازاندیشی در داده های یک سویه پیشین است و مسئله آگاهی انتقادی را پیش می کشد. در نتیجه، هرگونه فعالیت سیاسی در مرحله سوم اساساً می بایست در تعامل و گفتگویی دو جانبه با مخاطب و با رویکرد انتقادی نسبت به سیاست های قبلی انجام شود. در عین حال، سیاست گذار باید این واقعیت را بپذیرد که در دوره سوم، اصولاً نمی تواند همه جامعه زنان را مخاطب خود قرار دهد، بلکه تنها بخشی از جامعه ممکن است به این سیاست جدید گرایش یابد. از این منظر، یکی از توقعات نابجا پیرامون سیاست گذاری جمعیت، انتظار بازگشت به وضعیت اسبق است؛<sup>۲</sup> انتظاری که اصل سیاست گذاری را منتفی می سازد و مطالبه آن چیزی جز ترفند جریان محافظه کار - که از تداوم وضعیت فعلی منتفع می شوند - نیست.



#### نمودار ۴. سیر تحولات شناختی - عملکردی باروری

##### 1. Common Sense.

۲. خروجی مرحله سوم - در هیچ جای جهان - نمی تواند به یک جریان فراگیر تبدیل شود. بلکه در بهترین حالت، برخی خانواده ها تعداد زیادی و برخی تعداد اندکی فرزند داشته و قلبی بدون فرزند خواهند ماند.

بود؟ به عبارت صریح تر، جامعه ای که مطابق طراحی برنامه های توسعه و بدون پیش بینی فرصت های شغلی، بلکه صرفاً با هدف کاهش باروری تا سن سی سالگی درس خوانده و برای این مهم، مشکلات بسیاری نظیر دوری از خانواده را تحمل کرده و در این اثناء از بستر ارضاء مشروع غریزه جنسی محروم مانده است، چگونه تصمیم گیری خواهد کرد؟

هرچه فشار بیشتر می شود، آزادی های پنهان بیشتر می شود و این دور بسته تر می شود؛ اما درگیری اصلی در جایی رخ می دهد که گشودن گره زندگی مردم ربطی به آن ندارد. در سطح جهانی، صنعت فرهنگ سازی نتولیبرالی تا بخواهید برای این نوع آزادی ها نقشه چیده و تدارک دیده است؛ اما سخن گفتن از فجایع این فرهنگ سازی جهانی را برخی از مردم و خاصه جوانان نمی پسندد و آن را تجاوز به حقوق خود می دانند. نه فقط فرهنگ با این موسیقی بنجل و رمان های بنجل و فیلم های بنجل به (بُن) بست رسیده بلکه نقد فرهنگ نیز نامیوس شده است. حاصل این وضعیت نهیلیسمی است که جوانان را فراگرفته و فقری است که نتولیبرال ها در سطح جهانی و داخلی مردم را به آن دچار کرده (اند). فقری که در حال بلعیدن طبقه متوسط جهانی و داخلی است (اباذری، ۱۳۹۵).

خروجی این فرایند - یعنی تلاش برای پوشاندن چالش های اقتصادی از طریق عقب نشینی هرچه بیشتر در حوزه های فرهنگی و اخلاقی - را به وضوح می توان در سیر تحولات سیاست گذاری حجاب و عفاف در جمهوری اسلامی ملاحظه کرد (کلهر و همکاران، ۱۳۹۷).

همچنین، اگرچه مطابق ادعای دولت ها جهت دهی به فرهنگ مردم ممکن نبوده و اجرای سیاست های اصلاحی با مسئله کمبود اعتبارات و بودجه روبرو است؛ اما اقشار و طبقات محروم از موقعیت دوگانه ای در نظام سیاست گذاری برخوردار هستند؛ از یک سو، جلوگیری از قدرت گیری فرهنگی و افزایش کمی فقرا در موضوعاتی مانند ممنوعیت ازدواج در سن پایین و کاهش میزان باروری پیگیری می شود و از دیگر سو، توانمندسازی فقرا در جهت کنار گذاشتن فرهنگ محلی و پذیرش فرهنگ جدید طبقات بالا از اولویت های برخی دولت ها است (ن.ک: پیشین).

### کج فهمی در سیاست‌گذاری امور مذهبی

در سال‌های اخیر بعضی گفتارهای انتقادی، ذهن جامعه را نسبت به سیاست‌گذاری امور مذهبی دچار آشفتگی کرده‌اند. مدعای این گفتارها در دو گزاره خلاصه می‌شود: الف) تقبیح حمایت حکومت از ترویج و توسعه مناسک دینی با برچسب «فرهبی مناسک»؛ ب) مذموم دانستن تلاش‌های مردمی برای حفظ و نگهداری خرده فرهنگ‌های مذهبی با اتهام «کلونی‌سازی».

مظاهری در نقد آنچه «فرهبی مناسک» می‌نامد، به سه نکته

اشاره می‌کند:

اول) تبدیل مناسک به ابزار قدرت سیاسی؛ مناسک به دلیل پتانسیل بالایی که برای تحریک عاطفی و بسیج توده‌ای دارند، همیشه مورد طمع قدرت‌های سیاسی بوده‌اند.

دوم) تورم مناسک و عدم توازن بین ابعاد مختلف دین‌داری؛ گرچه مناسک رشد کرده‌اند، اما نمی‌توان ادعا کرد همه ابعاد دین‌داری رشد کرده است. غلظت روزافزون مناسک در دین‌داری به موازات رقیق شدن ابعاد اعتقادی و اخلاقی، به ضرر کارآمدی دین است.

سوم) تشدید رویکردهای هویتی و تمایزات فرقه‌ای؛ روند فرهبی مناسک شیعی در مسیر تشدید تمایز و هویت فرقه‌ای افتاده است که به تولید خشونت مذهبی خواهد انجامید و نشانه‌هایش در فضاها و هیئت‌های این سال‌ها کاملاً مشهود است (مظاهری، ۱۳۹۸).

همچنین، یکی از آثار نگاشته شده در نقد کلونی‌سازی، کتاب «ساکن خیابان ایران: مسایل و چالش‌های دین‌داری در جمهوری اسلامی» است. ایده اصلی کتاب دقیقاً در بخش «تکثیر خیابان ایران: کلونی‌های دین‌داران در حکومت دینی» مطرح می‌شود. بر این اساس، کلونی‌سازی را ابتدا دین‌داران متصل به قدرت با شهرک‌سازی‌های خصوصی شروع کردند که بعدها به رستوران‌ها، مدرسه‌ها، کافی‌شاپ‌ها و فروشگاه‌ها هم رسید. در نتیجه، تجربه

حکومت عالمان دینی، به تدریج عرصه را هم بر دین‌داران عادی و هم بر کارگزاران حکومت دینی تنگ کرده است (رحمانی، ۱۳۹۸).

ایده‌های فرهبی مناسک و کلونی‌سازی دین‌داران از اختلاط

چهار موضوع مختلف پدید آمده‌اند:

۱. اشتباه دولت‌های پس از انقلاب و جنگ در جدایی‌گزینی نیروهای انقلابی از مردم عادی، در شرایطی که ارزش‌ها و هنجارهای دینی-انقلابی در این دوره غلبه داشتند (ن.ک: کلهر و همکاران، ۱۳۹۷).

۲. طبیعی بودن تلاش دین‌داران در دهه‌های بعد برای ایجاد محیط اجتماعی-فرهنگی سالم‌تر در شرایطی که ارزش‌ها و هنجارهای دینی-انقلابی در جامعه روبه‌افول دارد (پیشین).

۳. کوشش جریان‌های مذهبی منتقد یا بی‌تمایل به جمهوری اسلامی برای توسعه مناسک دینی، که البته با منطق مناسک دینی شیعه مغایر است. به‌عنوان نمونه، در حالی که تأکید بر برگزاری عزاداری سیدالشهدا علیه‌السلام توصیه ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده است برخی اصرار دارند تا شهادت همه ائمه اطهار، عاشورایی برگزار شود.

۴. بدیهی بودن تلاش حکومت اسلامی برای حمایت از ظرفیت‌های غیر قابل پیش‌بینی انقلاب؛ امری که مهم‌ترین نشانه آن پیشگامی حضور مردم بر مشارکت حکومت است.

به هر ترتیب، از آنجا که این رویکرد، از یک طرف مداخله حمایت‌گرایانه حکومت در عرصه فرهنگ را تقبیح می‌سازد و از طرف دیگر، مساعی مردمی در حوزه‌های خرده‌فرهنگی را استهزا می‌کند، عملاً فرهنگ دینی جامعه را به بن‌بست می‌کشاند. به‌علاوه، پیچیدگی‌های سنجش دین‌داری جامعه ایرانی سبب شده است، بسیاری از مطالعات تجربی از توضیح دعاوی این رویکرد ناتوان باشند (ن.ک: غیاثوند، ۱۳۹۵؛ فرجی و همکاران، ۱۳۸۸).

## منابع

۱. آقای نوروزلو، یعقوب و معصومه آقای نوروزلو (۱۳۹۲)، «سبک زندگی اسلامی در افق تبیین شده مقام معظم رهبری»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دوره ۲، ص ۷۲۵-۷۴۲.
۲. آوینی، سیدمرتضی (۱۳۷۶)، توسعه و مبانی- تمدن غرب، تهران: نشر ساقی.
۳. ابادری، یوسف (۱۳۹۵)، پیوند فاشیسم و لیبرالیسم، «سخنرانی در «همایش عقلانیت و اعتدال در جهان معاصر» به مناسبت روز جهانی فلسفه»، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۴. احمدی، یعقوب؛ رسول ربانی و آزاد نمکی (۱۳۹۱)، «شاخص‌های توسعه انسانی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک (تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای استان‌های ایران)»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۶، ش ۱، ص ۳-۳۲.
۵. ارحامی، آسیه؛ زهرا قدیانی، عاطفه جلالی موسوی و نرگس صادقی‌پور (۱۳۹۳)، بررسی تطور بودجه فرهنگی کشور از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۳، شماره مسلسل: ۱۴۰۳۲، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (دفتر مطالعات فرهنگی).
۶. اشرفی، عباس (به اهتمام)؛ نعمت‌الله ایران‌زاده، معصومه استاجی و محمد مهدی حاج‌ملک (۱۳۹۷)، چکیده مقالات دومین همایش علمی بین‌المللی اربعین، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۷. اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی یونسکو (۱۳۹۰)، ترجمه مهرناز پیروزی‌نیک، تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
۸. امینی، نوروز و کوثر حلال‌خور (۱۳۹۴)، «مؤلفه‌های سبک زندگی دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، مهندسی فرهنگی، ش ۹، ص ۸۴.
۹. اورول، ج. ورج (۱۳۹۸ [۱۹۴۹م]، ۱۹۸۴)، این کتاب در سال‌های مختلف توسط ناشران و مترجمان متفاوت منتشر شده است.
۱۰. ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی (۱۳۹۰)، «ارزیابی پارادایمی برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۲۸۶، ص ۲۸۴-۲۹۹.
۱۱. اینگلهارت، رونالد و کریس ولزل (۱۳۸۸)، نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر.
۱۲. اینگلهارت، رونالد، ولزل، کریس و هانس-دیتر کلینگ‌مان (۱۳۸۲)، توسعه انسانی: نظریه‌ای درباره تغییر اجتماعی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۳. ایوبی، حجت‌الله (۱۳۸۸)، سیاست‌گذاری فرهنگی در فرانسه: دولت و هنر، با مقدمه ژان کلود کریر، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۴. باقری، سیامک (۱۳۹۰)، تلازم منافع آمریکا با نظام‌های دیکتاتوری، شناسه خبر: ۲۲۹۰۶۶، سایت خبری تحلیلی بصیرت (به آدرس: <https://basirat.ir/>).
۱۵. بدرا، محمدشتا و نعمت‌الله زمانی‌علی‌آبادی (بهار ۱۳۹۴)، «طراحی و تبیین سنجه‌های الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت با رویکرد تحلیل دو سطحی اندماجی (مبتنی بر آرای آیت‌الله خامنه‌ای)»، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ش ۲، ص ۲-۴، ص ۳۷.
۱۶. بنائیان، سفیدمحمد؛ محمدحسین یارمحمدیان، نرگس کشتی‌آرای و سیدمهدی آقاپور (۱۳۹۴)، «واکاوی مفهومی سبک زندگی اسلامی-ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری در آینه آیات و روایات»، مجله مدیریت فرهنگی، دوره ۹، ش ۳۰، ص ۵۹-۹۰.
۱۷. بهمن، شعیب (پاییز و زمستان ۱۳۹۷)، «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ش ۸، ص ۲-۳، ص ۹.
۱۸. پایگاه اطلاع‌رسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی به آدرس: <https://sccr.ir>

۱۹. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. به آدرس: <http://khamenei.ir>.
۲۰. پایگاه مجلات تخصصی نور به آدرس: <https://www.noormags.ir/>.
۲۱. پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی به آدرس: <https://www.sid.ir/fa/journal/>.
۲۲. پرتال جامع علوم انسانی به آدرس: <http://ensani.ir/fa>.
۲۳. پناهی، بهرام (۱۳۸۳)، «کوشش برای انسجام نظریه نوسازی»، کتاب ماه علوم اجتماعی، س ۸، ش ۴، (پیاپی ۸۸)، ص ۴۵-۴۷.
۲۴. تارنمای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به آدرس: <https://rc.majlis.ir/fa>.
۲۵. توکلی، فائزه (۱۳۹۰)، «نقش رسانه‌ها در دموکراسی فرهنگی جهان معاصر»، مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، س ۱، ش ۱، ص ۸۵-۹۸.
۲۶. توکویل، آلکسی دو (۱۳۸۳)، تحلیل-دموکراسی-در آمریکا، ترجمه رحمت‌الله مقدم‌مراغه‌ای، چ ۲، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۷. حسنی، محمدحسین؛ محمدسعید ذکایی، ابوتراب طالبی و علی انتظاری (۱۳۹۶)، «مفهوم‌سازی سبک زندگی فرهنگی»، فصلنامه علمی پژوهشی جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۸، ش ۱، ص ۲۳-۴۴.
۲۸. حسین‌پور، داود (۱۳۹۲)، «بررسی فلسفی مؤلفه‌های اصلی انقلاب اسلامی به مثابه ظرفیت‌هایی برای تحول در نظام آموزش و پرورش»، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، س ۳، ش ۲، ص ۱۷۳-۱۹۴.
۲۹. حصیرچی، امیر و عباس نیاوند (۱۳۹۰)، «تحلیل الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی در دهه چهارم انقلاب)»، فصلنامه مطالعات بسیج، س ۱۴، ش ۵۰، ص ۵۱-۸۲.
۳۰. خادمی، محمد (به اهتمام): سعید اصفهانیان (۱۳۹۵)، والله متم نوره، کاوشی در ابعاد الهی، تمدنی و مهدوی حرکت عظیم اربعین حسینی (اجلاسیه و نشست‌های تخصصی)، قم: جمکران.
۳۱. دراکولویچ، اسلاونکا (۱۳۹۸)، کمونیسم رفت ما ماندیم و حتی خندیدیم، ترجمه رویا رضوانی، چ ۹، تهران: گمان.
۳۲. ذکائی، محمدسعید (۱۳۹۳)، فراغت، مصرف و جامعه؛ گفتارهایی انتقادی، چ ۲، ویراست ۲، تهران: تیسار...
۳۳. رحمانی، جبار (۱۳۹۸)، یادداشت‌نگاهی به کتاب «ساکن خیابان ایران»؛ نقدی همدلانه با حیات دینی، کد خبری: ۳۸۲۷۴۵۷، خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به آدرس: <https://iqna.ir/>.
۳۴. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)، توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۵. زیباکلام، صادق (مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۸)، «دفاع از «اسد» تا کجا؟»، روزنامه قانون، س ۱، ش ۸۷، ص ۱.
۳۶. سپهرنیا، رزیتا (۱۳۹۰)، «بررسی نقش جهانی شدن در شکل‌گیری خاص‌گرایی‌های فرهنگی»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۲، ش ۵، ص ۱۲۱-۱۴۴.
۳۷. شفیع‌ی سروسستانی، اب راهیم (۱۳۸۴)، انتظار، بایدها و نبایدها، چ ۳، تهران: موعود.
۳۸. صفایی‌فرد، محسن (۱۳۹۱)، «بازنمایی مفهوم سبک زندگی در فرهنگ‌نامه جبهه انقلاب اسلامی، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع)».
۳۹. طالبان، محمدرضا و مهدی رفیعی‌بهابادی (۱۳۹۰)، «ارزیابی تجربی نظریه اینگلهارت در ایران: ارتباط توسعه با دین‌داری»، فصلنامه علوم اجتماعی (علامه طباطبایی)، ش ۵۵.
۴۰. عالمی‌نیسی، مسعود (۱۳۹۷)، «مطالعه تطبیقی-تاریخی تأثیر افزایش جمعیت بر وضعیت اقتصادی کشورها»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ش ۲۸، س ۷، ص ۱۶۱-۱۸۴.
۴۱. علی‌محمدی، قاسم و اکبر زارع‌شاه‌آبادی (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی اشتغال زنان و مردان در استان‌های کشور با تأکید بر سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰»، فصلنامه راهبرد توسعه، ش ۴۹، ص ۱۰۴-۱۳۲.

۴۲. غیاثوند، احمد (۱۳۹۵)، «رفتارها و باورهای ایرانیان: تحلیلی جامعه‌شناختی از مناسبات دین در بستر دولت»، فصلنامه علوم اجتماعی، س ۲۵، ش ۷۳، ص ۲۱۱-۲۵۱.
۴۳. فرانکفورد، چاوا و دیوید نجمیاس (۱۳۸۱)، روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضل، با مقدمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات سروش.
۴۴. فرجی، مهدی و عباس کاظمی (۱۳۸۸)، «بررسی وضعیت دین‌داری در ایران (با تأکید بر داده‌های پیمایش‌های سه دهه گذشته)»، تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۲، ش ۲، ص ۷۹-۹۵.
۴۵. فکوهی، ناصر (۱۳۹۰)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، چ ۷، تهران: نشر نی.
۴۶. فیاض، ابراهیم (۱۳۸۹)، مهندسی فرهنگ عمومی (ج ۱، رهیافت‌های نظری)، تهران: زمان نو.
۴۷. فیلم سینمایی «نهنگ عنبر ۱»، ساخته سامان مقدم، ۱۳۹۴.
۴۸. کاظمی، عباس (۱۳۹۵)، امر روزمره در جامعه پساانقلابی، تهران: فرهنگ جاوید.
۴۹. کچویان، حسین (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی ایران و افتتاح تاریخ؛ بیداری اسلامی در بهار عربی، تهران: سوره مهر.
۵۰. کشتکار، مه‌رآن و ناصر رحمدل (۱۳۹۶)، «شناخت رهیافت‌های حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی در خصوص الگوی پیشرفت»، فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، س ۱، ش ۱، ص ۱۴۰-۱۶۶.
۵۱. کلهر، سینا و ریحانه رحمانی‌پور (۱۳۹۷)، عوامل مؤثر بر اجرایی شدن سیاست‌های حجاب و راهکارهای پیش رو، شماره مسلسل: ۱۵۹۵۸، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (دفتر مطالعات فرهنگی).
۵۲. کلهر، سینا و سمیه خزایی (۱۳۹۷)، ازدواج دختران در سنین پایین ۱، وضعیت موجود و ابعاد مسئله، شماره مسلسل: ۱۵۹۹۱، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (دفتر مطالعات فرهنگی).
۵۳. کهن، لارنس (۱۳۹۶)، متن‌هایی برگزیده از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، ترجمه و ویراسته عبدالکریم رشیدیان، چ ۱۲، ویراست ۲، تهران: نشر نی.
۵۴. مظاهری، حسام‌محسن (۱۳۹۸)، «در خدمت و خیانت مناسک (بحثی درباره مناسک شیعی و پدیده فربهی مناسکی)»، تارنمای جامعه‌شناسی تشیع، به آدرس: <http://www.socio-shia.com/>
۵۵. مظاهری، محسن حسام (۱۳۹۸)، ساکن خیابان ایران؛ مسائل و چالش‌های دین‌داری در جمهوری اسلامی، اصفهان: آرما.
۵۶. معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۴)، مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین، تهران: سوره مهر.
۵۷. نوده‌فراهانی، اسماعیل (۱۳۹۱)، «عوامل و زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی شکل‌گیری پدیده کاروان‌های راهیان نور»، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی رحمته‌الله.
۵۸. نوده‌فراهانی، اسماعیل (۱۳۹۸)، دلالت‌های حکمرانی و سیاست‌گذاری بیانیه گام دوم انقلاب، شماره مسلسل: ۱۶۵۹۰، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ).
۵۹. یارمحمدتوسکی، مریم و سعید نریمانی (۱۳۹۳)، «شناسایی و بررسی مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در شکل‌گیری و گسترش گرایش بانوان شهرنشین ایرانی به استفاده از پوشش‌های نامناسب (تحلیل ثانویه مقالات فارسی منتشر شده در یک دهه اخیر)»، مجله مهندسی فرهنگی، ش ۸۱، ص ۱۴۵-۱۶۰.
60. Larsen, Janet (3 August 2003), "Iran: A Model for Family Planning? (Could Iran serve as an example of how best to curtail world overpopulation?)". [theglobalist.com](http://theglobalist.com). Retrieved 13 November 2019.